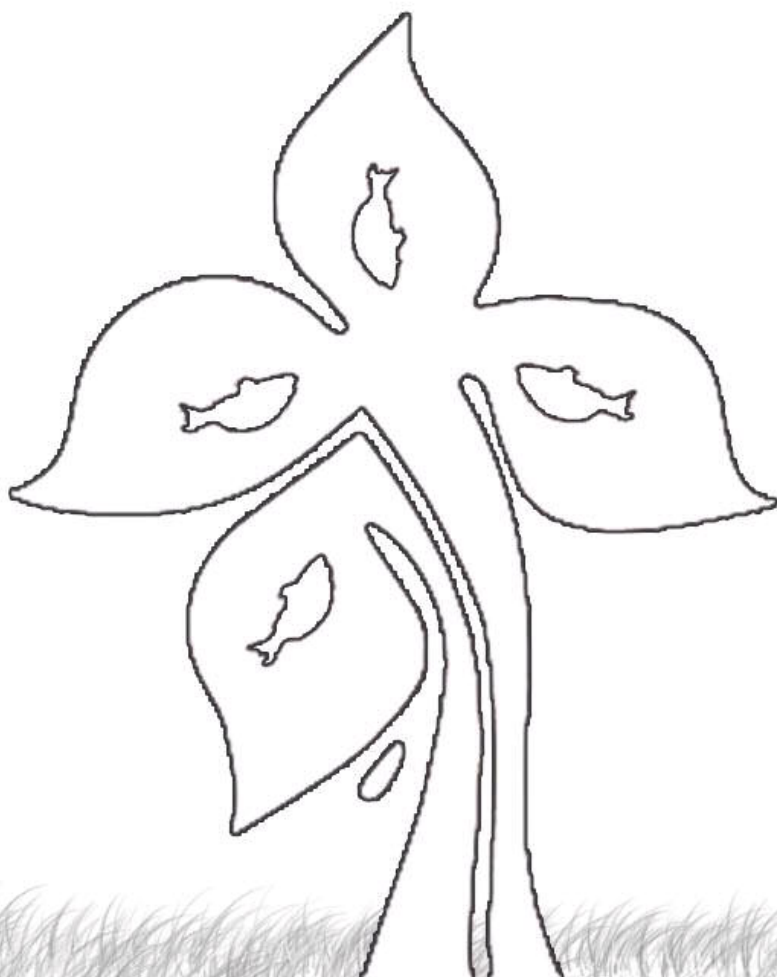


مقدمه ای در

جنبش نرم افزاری، تولید علم و آزاداندیشی

با نگاهی به بیانیه «منشور آزاداندیشی» رهبر انقلاب



مقدمه :

یکی از مهمترین رمزهای ظهور و شکوفایی تمدن بزرگ مسلمین تاکید های مکرر دین اسلام بر ضرورت تعلیم و تربیت و تعلم و توسعه علمی به عنوان نخستین و مهم ترین بخش زیر ساخت تحولات خرد و کلان انسانی و اجتماعی است.

اکنون هم پس از افول آن عظمت کهن و در دوران رکود فرهنگ و تمدن اسلامی تنها راه پیش پای ما ارتقای کمیت و کیفیت در تولید فکر و علم (در حوزه و دانشگاه) است.

یکی از گامهای اساسی برای بازسازی و بازتولید فرهنگ و تمدن بزرگ مسلمین و ایجاد و تاسیس تمدن اسلامی رویکرد به رهیافت جنبش نرم افزاری و تولید انبوه علم به ویژه در رشته های سرنوشت ساز و استراتژیک است.

امروز این ملت تشنه اصلاح نابسامانی ها است و فردا تشنه تر خواهد شد. ملتی است که نسبت به سایر ملل احساس عقب افتادگی می کند و عجله دارد به آنها برسد.

از طرفی مدعیان اصلاح طلبی که بسیاری از آنها علاقه ای به دیانت ندارند زیاده و در کمین احساسات نو و بلند نسل امروزند. اگر اسلام به حاجت ها و خواسته ها و احساسات بلند این ملت پاسخ مثبت ندهد به سوی آن قبله های نوظهور متوجه خواهند گشت. [ده گفتار، چاپ هفدهم، ص ۳۱۳]

مواجهه شدن باندنای جدید، پیچیده شدن مناسبات اجتماعی و نوع تحولاتی که در داخل جهان اسلام اتفاق افتاده، نیازمندیها و بایسته های جدیدی را مطرح کرده است.

حضور رقیبان جدید از سویی و نیاز به حضور دین در صحنه عمل اجتماعی از سوی دیگر لزوم بازاندیشی در میراث اسلامی و تنقیح افکار و معارف دینی از امور زائد و همچنین لزوم طراحی و مهندسی نظام های اجتماعی بر اساس فرهنگ و آرمان دینی را موجب شده اند که در نتیجه نیاز جدی به تولید اندیشه دینی و تولید علم دینی احساس می شود.

بدون نرم افزار دینی و علمی بقدر لازم تداوم انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ممکن نخواهد بود و امکان دستیابی به حکومت اسلامی به عنوان آرمان این نظام وجود نخواهد داشت. این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خوش را به بار نشاند. دانشجویان مکتبی به عنوان قشر آگاه و پیشتاز درخلاقیت های انقلابی جامعه نقش بی بدیلی در تحقق آرمان های انقلاب دارند و رسالت کنونی ایشان این است که با عزم راستین و بیداری و خودآگاهی، تلاشی فراگیر را برای استمرار انقلاب و تحقق همه جانبه آن انجام دهند که بی شک تولید انبوه نرم افزاری علمی و دینی از بنیادی ترین و زیربنایی ترین اقدامات در این راستا می باشد.

لذا بر عهده تک تک نهادهای گوناگون حوزوی و دانشگاهی است که با برنامه ریزی جامع و هدفمند به بررسی راهکارهای تحقق این مهم بپردازند و نسبت به کلیه عوامل مؤثر در این زمینه با دقت ویژه برخورد و موضع گیری نمایند. از جمله مهمترین عوامل زمینه ساز و انگیزه کار و تلاش و خلاقیت و رشد و شکوفایی و توسعه علم تحقق عدالت است که به عنوان آرمانی اساسی و اصیل نباید مغفول بماند.

و تحقق جنبش نرم افزاری در معنای حقیقی خود جز در سایه عدالت خواهی و تلاش برای استقرار عدالت و بسط آن ممکن نخواهد بود. و این هر دو رسالت های سترگ نسل امروز حوزوی و دانشگاهی جامعه ماست.

جنبش نرم افزاری چیست؟

ابتدا به بررسی و تحلیل مفردات این ترکیب می پردازیم:

کلمه ی «نرم افزار» در برابر «سخت افزار» بکار می رود. این واژه ها پس از رایج شدن رایانه بر سر زبان ها افتاد. در علوم رایانه ای برای دستگاه ها و ابزارها تعبیر «سخت افزار» را بکار می برند و برای آنچه متن و محتوا و برنامه ی رایانه به حساب می آید از تعبیر «نرم افزار» استفاده می کنند و برای آنچه متن و محتوا و برنامه ی رایانه به حساب می آید از تعبیر «نرم افزار» استفاده می شود. این اصطلاحات که در یک حوزه ی خاصی بوجود آمده و کاربرد داشته اند به حوزه های دیگر تسری یافتند و از باب استعاره و مجازگویی مورد استعمال قرار گرفتند تا جایی که خود در حوزه های دیگر صورت اصطلاح پیدا کرده اند.

معمولاً «سخت افزار» به اموری اطلاق می شود که جنبه ی عینی و ملموس و فیزیکی دارد و در برابرش در واژه ی «نرم افزار» جنبه ی غیر ملموس و غیر فیزیکی ملحوظ است. در ترکیب «جنبش نرم افزاری» و «تولید نرم افزار دینی» نرم افزار حالت واسطه ای دارد برای دستیابی به «سخت افزار» که همان «تمدن» است.

صنعت و ابزارهای حسی - علمی تمدنی، محصول ضلع نرم افزاری تمدن است و این ضلع نرم افزاری همان فکر و اندیشه و دانش است.

پس «نهضت نرم افزاری» یا «جنبش نرم افزاری» مقدمه ای است برای تحقق یک سخت افزار که در فضای مورد بحث ما آن سخت افزار همان «تمدن اسلامی» است.

اینکه چرا برای «تمدن اسلامی» از واژه ی «سخت افزار» کمک گرفته ایم. به این دلیل است که تمدن همان تجسد عینی فرهنگ و آرمان ها و ارزش های جامعه است و به تعبیری کالبد و شکل فیزیکی و عینی آنهاست.

پس اگر «جنبش نرم افزاری» را فرآیندی دانستیم که مدعی قدرت تمدن سازی و قدرت مهندسی تمدن اسلامی است نوعی بستر سازی و زمینه سازی هم مسلماً نیاز دارد؛ و این ادعا جنبش و

خیزش و نهضتی فراگیر را می طلبد نه یک تلاش موضعی یا انفرادی و قائم به افراد را و از اینجا کاربرد واژه های «جنبش» و «نهضت» در آن ترکیب ها معنی می یابد زیرا «جنبش نرم افزاری» مدعی است که باید یک خیزش جدید و فراخوان عمومی در نسل آماده و آشنا به فرهنگ انقلاب آغاز شود و تاکید بر بکارگیری لفظ جنبش هم در همین نکته است که این ایده نباید تنها در لایه ی نخبگان و اساتید حوزه و دانشگاه بماند. این مطالبات باید در سطح بدنه ی حوزه و دانشگاه مطرح شوند و حتی فشار مطالبات نسل جوان، بزرگان و نخبگان نسل گذشته ی ما را نیز به میدان آورد. بلکه باید با توجه به چگونگی و گستره ی تحقق آن و موانع گوناگونی که در راستای تحقق و فراگیری آن وجود دارد تمامی لایه های جامعه را درگیر و متأثر از خود سازد.

تعریف مختار ما از «جنبش نرم افزاری» عبارتست از :

«تحول عمومی و خیزش نخبگانی برای تولید نرم افزار بومی و دینی کارآمد و روز آمد جهت تحقق آرمان های انقلاب و ایجاد تمدن نوین اسلامی از طریق شناسایی نیازها و بازشناسی و بازسازی فرهنگ جامعه و ظرفیت های علمی کشور»

لازم به ذکر است که اصطلاح «نهضت آزاد اندیشی» که غالباً همراه با «نهضت و جنبش تولید علم» بیان می شود به منزله فرآیند بستر ساز و زمینه ساز تحقق و اجرای جنبش نرم افزاری است زیرا آزاد اندیشی بستری برای فرآیندی شدن نظریه پردازی و تولید علم است و به عنوان تاکید بر یکی از محوری ترین عوامل به صورت مستقل تحت عنوان «نهضت آزاد اندیشی» از آن یاد می شود که با این بیان «شرط لازم» (و نه شرط کافی) «جنبش نرم افزاری» است.

البته در فرآیند تحقق (جنبش تولید علم) مسائل دیگری نیز مطرح است که یکی «مغز افزار» است که عبارتست از «منطقی شامل و واضح و منقح برای تئوریزه کردن نرم افزار مورد نیاز برای تولید سخت افزار» که از حیث متدولوژی و روش شناختی تقدم بر «نرم افزار» دارد ولی چون خود این «مغز افزار» را می توان سطحی از مراتب و درجات مختلف «نرم افزار» محسوب نمود به صورت مستقل کمتر از آن یاد می شود.

نکته ای که نباید از آن غافل شود لزوم نگرش مجموعه ای و شبکه ای به جنبش نرم افزاری است که نیازمند «منطق مجموعه نگر» نه «جزءنگر» است و چون به دنبال حرکت عمومی آگاهانه هستیم باید تمام سطوح و طبقات جامعه متأثر از آن باشند و برای تمام لایه های جامعه و همه ی اقشار نقش های متناسبی تعریف شود و از ۳ قشر تعیین کننده ی صاحبان قدرت، ثروت و معرفت نباید غافل ماند و همینجاست که لزوم پی گیری اندیشه های آرمان ها و مطالبات «عدالت خواهانه» و هوشیاری ویژه در این مقولات را واضح تر و جدی تر می سازد

و پیوند وثیق دو مقوله ی «عدالت طلبی» و «جنبش تولید علم» را نشان می دهد. که در اینجا به علت گستردگی این موضوع و نبودن مجال کافی از توضیح بیشتر این نکته صرف نظر می کنیم.

پیشینه ی بحث «جنبش نرم افزاری»

اگر با توجه به مفهوم اصطلاح جنبش نرم افزاری در فضای پس از انقلاب اسلامی ایران بخواهیم در جستجوی پیشینه ی تاریخی آن باشیم باید به آغاز پیروزی انقلاب اسلامی باز گردیم آرمان و هدف اصیل انقلاب این بود که در تمام عرصه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تحولی فراگیر و همه جانبه ایجاد کند و لذا پس از پیروزی در عرصه ی سیاسی، طبیعتاً توجه به مسائل فرهنگی نیز بیشتر شد بویژه با نقش بنیادین و اساسی دانشگاه ها در تحولات اجتماعی لزوم تحول خود نظام و ساختار دانشگاههای کشور بیشتر مطرح شد و برای اینکه حاکمیت اسلامی به تدریج در همه شؤون کشور گسترش یابد مسئله ی توجه به وضعیت دانشگاه ها به صورتی پر حرارت و جدی مطرح شد که نقطه ی اوج آن، تعطیلی دانشگاه های سراسر کشور و صدور فرمان تاریخی امام (ره) برای تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی در بیست و سوم خرداد ۱۳۵۹ بود.

گرچه فرمان امام خمینی (ره) درباره ی دامنه ی فعالیتهای «ستاد انقلاب فرهنگی» بسیار وسیع بود و سراسر نهاد آموزش و پرورش جامعه ی ما را در بر می گرفت ولی محور اصلی آن را بازسازی نظام آموزشی حاکم بر دانشگاه ها تشکیل داد برخی از ایجاد گوناگون این بازسازی عبارتند از :

- جهت گیری و اهداف علوم دانشگاهی

- برنامه ریزی درسی دانشگاه ها

- درس های مورد نیاز

- کیفیت تدریس و سایر شؤون تعلیم و تربیت در دانشگاه ها

- تحول بنیادین و تجدید نظر و بازسازی متون و منابع درسی

که این مورد اخیر اهمیتی ویژه دارد و منشأ تحولات دیگر نیز می باشد.

مجموعه این مسائل تحت عنوان «اسلامی کردن دانشگاه ها» تعقیب می شد که متأسفانه با برداشت هایی سطحی، شتابزده و غیر اصولی از این مفهوم عمیق و کاربردی سیر این حرکت با کندی همراه گشت و از حرارت و شور و توان اولیه اش خالی شد. جهت تقویت جریان این مساله ی اساسی امام خمینی (ره) لزوم «وحدت حوزه و دانشگاه» را مطرح کردند و در پی رهنمود ایشان، اعضای ستاد انقلاب فرهنگی با جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم طرح مشترک همکاری حوزه و دانشگاه را تهیه کردند و اجرای آن به کمیته ی حوزه و دانشگاه

جامعه‌ی مدرسین، که از مسوولان موسسه‌ی در راه حق نیز بودند واکذار گردید و برای این منظور دفتری بنام «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» تاسیس گردید که بعدها در قالب «پژوهشکده‌ی حوزه دانشگاه» و «موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» ادامه‌ی فعالیت داد اما بنابر دلایل فراوانی که اینک مجال طرح و بررسی آنها نیست مجموعه‌ی این فعالیت‌ها، نتیجه‌ی متناسب با اهداف اولیه از «اسلامی شدن دانشگاه‌ها» و «نظریه پردازی گسترده بویژه در حوزه‌ی علوم انسانی با نگاه اسلامی» را در پی نداشت و علیرغم توصیه‌های مقام معظم رهبری در سالیان پس از آن هم شاهد تحولی بنیادین در آن راستا نبودیم تا اینکه در پی بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضا انجمن قلم در ۸/۱۱/۸۱ به منزله‌ی فراخوانی تاریخی تلقی نمودند و در نامه‌ی به رهبر انقلاب خواهان راهنمایی و مساعدت ایشان و حمایت نهادینه از سوی تصمیم‌گیران فرهنگی و متصدیان حوزه و دانشگاه در زمینه‌ی «تولید نرم افزار علمی و دینی» در حوزه و دانشگاه شدند که در پاسخ رهبر انقلاب به آن نامه ضمن تایید این حرکت تعیین چستی و چگونگی تحقق آن خواهان انجام کارهای جدی در این راستا شدند تا جایی که تا پیش از بیست و پنجمین سالگرد انقلاب بتوان نخستین ثمرات آن را دیده در پی این تاکیدات و با حمایت ویژه‌ی مقام رهبری از این پیشنهادات و تصمیم شورای عالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم مقرر گردید مجموعه‌ی در این رابطه تشکیل گردد تا امور مربوط به محتوای پیام‌ها را سامان دهد و پس از این مجموعه‌ها پیام‌ها و پی‌گیری‌ها بود که مجدداً حرکتی در راستای زمینه‌سازی برای ایده پردازی و نظریات نو پدید آغاز شد که بر ضرورت تحول روشمند و هدفمند در عرصه‌ی پژوهش در علوم و تلاش برای تولید علم با هدف نظام‌سازی دینی تاکید می‌کرد که از آن تحت عنوان «جنبش نرم افزاری» یا «نهضت تولید علم» یاد می‌شود.

به طور خلاصه می‌بینیم که این حرکت در ماهیت خود چیزی جدای از اهداف کلان همان طرح اسلامی شدن دانشگاه‌ها را دنبال نمی‌کند. بلکه ضمن تاکید بر آن ضرورت آن را به نحوی ملموس‌تر دریافته و تحت عناوین جدید همان اهداف را به نحوی توسعه یافته و متناسب با شرایط کنونی انقلاب دنبال می‌نماید.

امید است که شاهد فراموشی و بی‌توجهی به این مساله حیاتی که طرحی جدی برای «تداوم انقلاب اسلامی» است نباشیم و هر چه زودتر از ثمرات آن بهره‌مند گردیم.

«ضرورت و هدف جنبش نرم افزاری»

همچنانکه در مقدمه و بخش‌های پیشین بیان گردید بدون تحقق «جنبش نرم افزاری» دستیابی به تمدن نوین اسلامی صرفاً در حدود شعار باقی خواهد ماند چرا که پی‌ریزی چنین تمدنی نیازمند تنظیمات و توسعه و مدیریت اجتماعی است که بدون برنامه‌ریزی امکان ندارد و این

برنامه ریزی و تدبیر نیازمند به پشتوانه ای است که قرار است در این نهضت نرم افزاری تولید گردد.

همچنین همانطور که بیان گردید مواجهه با دنیای جدید و پیچیده تر شدن مناسبات اجتماعی نیازمندی ها و بایسته های جدیدی را مطرح کرده ضمن اینکه رقبایی جدید از هر سو در حال طرح جدی خود هستند و همگی اینها نیاز به حضور دین در حصار عمل اجتماعی را به نحوی روشمند و هدفمند موجب می گردد که لازمه ی آن همین حرکت عمومی و خیزش نخبگانی در قالب جنبش نرم افزاری است.

و از نقطه نظر انقلاب اسلامی که بخواهیم به این مساله بنگریم «بقا و دوام و استمرار» این انقلاب وابسته به این جریان است که غفلت از آن حذف و محو انقلاب را در پی خواهد داشت. بایستی این فرآیند در چنان برنامه ی گسترده ای مطرح گردد که علاوه بر نیازها و پاسخگویی به مشکلات جامعه ی خودمان، پاسخگویی نیازمند های انقلاب و حتی رافع ناهنجاری های جهان امروز باشد و رسالتی در عرصه جهانی برای نجات بشر از معضلات و گرفتاری ها و نابسامانی های کنونی اش برای خود ترسیم نماید که چنین دور نمایی لزوم حرکتی انقلابی در این عرصه را موجه تر و ضروری تر خواهد ساخت.

«چالش، موانع» و «راهکارهای» تحقق جنبش نرم افزاری

بررسی این عنوان نیازمند مجالی واسع و تحقیقاتی مستقل از منظرهای مختلف است که به علت اختصار این نوشتار این موضوع را به بخش «تحلیل محتوای بیا نیه ی رهبری» ارجاع می دهیم هر چند خود آن نیازمند شرح و بسط و تفصیل می باشد.

جریان گروه های مختلف و آراء و نظریات گوناگون درباره ی چیستی جنبش نرم افزاری و گستره ی آن بررسی عنوان فوق نیز خارج از هدف اصلی این نوشتار و نیازمند مجال طرح مستقل و گسترده تری می باشد. تصمیم بر این شد که ضمن بررسی منابع مطالعاتی به بعضی از آنها اشاره نماییم و منابع برای آشنایی تفصیلی با نظریاتشان در این زمینه معرفی شود امید است که در فرصتی دیگر به بررسی و توصیفی و تحلیلی هر کدام از آنها اقدام شود که البته کاری بجا و شایسته است.

در اینجا به نحو بسیار اجمالی و گذرا برخی نظریات مطرح در این عرصه را بررسی می کنیم: اصولاً اینکه «علم دینی» می توان داشت یا نه مورد اختلاف جدی صاحب نظران است. و بستگی به اینکه چه معنایی از آن مراد باشد دیدگاه ها متنوع می شوند. از منظری دیگر اگر بخواهیم نسبت و رابطه ی علم و دین را بررسی نماییم و بر اساس آن مفهومی چون «علم دینی» را مورد نظر قرار دهیم باز هم به تبع آن نتایج مختلفی خواهیم داشت به گمان ماریشه ی اختلافات صرف نظر از تعریفی که از علم و دین می شود و مسلماً نسبت های

خاصی بر اساس هر تعریف بین آن دو خواهد بود؛ به قلمرو و گستره ی دین و همچنین گستره ی ادراکات بشری باز می گردد.

یعنی بستگی به اینکه هر یک از آن دو چه گستره ای داشته باشند صورت مساله تغییر خواهد کرد فی المثل اینکه دین برای بیان همه چیزهایی است؟ و اینکه آیا وظیفه ی آن است که در همه ی زمینه ها، همه چیز را به ما بگوید آمده یا نه؟ از جمله سوالات کلیدی است که تعیین نسبت علم و دین و تبیین مفهوم «علم دینی» وابسته به آن است. همچنین تعیین گستره ی ادراک بیشتر از نظر عقلی، تجربی و شهودی مساله ای کلیدی محسوب می شود که بدون تصحیح آن امکان پاسخگویی به آن سوالات را نخواهیم داشت.

در بحث «اسلامی شدن دانشگاه ها» هم همین مباحث به گونه ای مطرح شده است. اگر پذیرفتیم که علوم دانشگاهی نیاز به تحول دارند و باید اسلامی شوند این مطلب شامل کدام دسته از علوم دانشگاهی می شود.

اگر قائل به تفکیک علوم انسانی و علوم طبیعی بشویم کدام دسته از این علوم نیاز به تحول دارند و اسلامی شدن در مورد شان معنا دار است و اگر قائل به امکان اسلامی شدن یک علم شدن آیا مطلوبیت نیز دارد؟

موضعگیری هایی که نسبت به مسائل فوق شده است به صورت زیر قابل دسته بندی است :
 عده ای قائل اند که علوم (چه انسانی و چه طبیعی) دینی و غیر دینی ندارند و اسلامی و غیر اسلامی ندارند و اساسا اسلامی کردن علوم فاقد معنا است. دسته ای می گویند علوم (انسانی و طبیعی) دینی و غیر دینی ندارند ولی برای اسلامی کردن علوم می توان معنایی را متصور شد و آن به معنای تغییر جهت گیری این علوم و نحوه ی کاربردشان است یعنی اسلام می تواند در ناحیه ی ارزش ها دخالت کند و نحوه ی کاربرد و استفاده ی ما از این علوم را دگرگون کند که در این حالت هم ۳ حالت قابل فرض است.

۲- الف) این تغییر کاربرد صرفا در ناحیه ی علوم انسانی مطرح است.

۲- ب) این تغییر کاربرد علاوه بر علوم انسانی می تواند شامل علوم طبیعی هم بشود.

۲- ج) این تغییر کاربرد صرفا در ناحیه ی علوم طبیعی مطرح است (که این فرض قائلی را نیافتیم)

عده ای تعبیر علم دینی را می پذیرند و گستره ی آن را محدود به علوم انسانی می دانند یعنی اسلامی شدن علوم را در مورد علوم انسانی قبول دارند که نه تنها در مرحله ی کاربرد و ارزش های همراه یک علم بلکه در خود محتوا و حاق بیانی علوم هم امکان تصرف هست و می توان علوم انسانی داشت.

برخی صاحب نظران ضمن پذیرش مفهوم علم دینی، گستره ی آن را محدود به علوم انسانی نداشته و شامل علوم تجربی طبیعی نیز می دانند و در آنجا هم برای اسلامی کردن علوم و داشتن علم اسلامی معنای محصلی را قائل اند که علاوه بر تغییر ابعاد ارزشی همراه علم و چگونگی بکارگیری علم می شود.

مطالبی که نباید از آن غفلت داشت اینست که هر یک از طرفداران گروه های سوم و چهارم که به نحوی قائل به علم دینی شده اند در چگونگی اسلامی کردن علوم اختلاف نظر دارند و دسته بندی های جدیدی قابل طرح خواهد بود. به عنوان مثال در گروه سوم که قائل امکان علم دینی هستند و در محدوده ی علوم انسانی آن را می پذیرند در اسلامی کردن علوم چند نظر مطرح است.

۳- الف) علوم انسانی بر متون دینی عرضه شود و آنچه را موافق نیست کنار بزنیم و یا اینکه دیدگاههای اسلامی را به پیکره ی این علوم پیوند بزنیم و با نقد و بررسی آنها موارد مخالف را حذف کنیم.

۳- ب) از متون اسلامی علوم جدیدی را اخذ کنیم و به تدریج علوم انسانی اسلامی را جایگزین علوم فعلی کنیم و بر همین اساس دسته چهارم هم به شقوق زیر قابل تقسیم اند: در فرآیند اسلامی کردن علوم

۴- الف) علوم (انسانی و طبیعی) را به متون عرضه و موارد مخالف را کنار بزنیم.

۴- ب) علوم (انسانی و طبیعی) جدیدی را اخذ و اقتباس و جایگزین علوم فعلی نماییم.

۴- ج) تصحیح علوم در مرحله ی رو آوردن به آنها، رشد بخش های معینی از آنها، مجموعه اصول موضوعه و نحوه ی نگرش آنها به پدیده ها و امور واقع همگی بر اساس بینش های اسلامی انجام شود و در صورت عدم امکان تصحیح تهذیب شود

با مراجعه به نظریات افراد و گروه های مختلف در می یابیم که همین تقسیم اخیر:

(۴- ب و ۳- ب) هم مشتمل بر دسته های مختلف است؛ بر این معنی که در مکانیسم و چگونگی استخراج و اقتباس علوم از متون چند دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول (توقیفیت علوم یعنی هر آنچه که از علوم طبیعی و انسانی برای رشد و تکامل اجتماعی او لازم بوده نازل گشته است و کار ما صرفا جستجو در متون و استخراج آنهاست و هر مرحله ای که این علوم قرار دارند همان مرحله ی مطلوب است و حداکثر می توان نوعی فرآیند اجتهادی را از باب تطبیق با شرایط جاری و لحاظ متغیرهای زمانی و مکانی در موردشان متصور شد.

دیدگاه دوم (درست است که علوم انسانی و طبیعی در برخی موارد ممکن است که در خود متون دینی به تفصیل بیان نشده باشند ولی به اجمال به تمامی آنها اشاره شده است و

همانطور که از یکایه، علم اصول استخراج شده و توسعه یافته است (البته به کمک عقل و به مدد دقت نظرهای عقلی) می توان علوم طبیعی را از آیاتی که اشاراتی به موارد گوناگون تاریخی، طبیعی، و تجربی... دارند استخراج نمود (البته به کمک دقت های عقلی و حسی و بکارگیری این دو در این فرآیند استنباط علوم از متون)

دیدگاه سوم (قرآن و روایات (متون دینی) منبع استخراج تمام علوم هستند ولی باید به نحوی روشمند و در مورد هر دسته از علوم با متدولوژی خاص آن علم به سراغ متون رفت تا بتوان آن علوم را به گونه ای روشمند و مضبوط استخراج نمود و در صورت صحت بکارگیری این روش استنباط و تولید علم از متون، آن علوم به سبب بازگشتشان به متون دارای حجیت بوده و دینی محسوب می شوند و اطلاق وصف اسلامی به آنها صحیح است (که می تواند در مورد علوم طبیعی یا انسانی معنا یابد)

ضمن آنکه می بینیم برخی دیدگاه های تلفیقی هم مطرح گشته است مانند دیدگاه (۴-ج) که به تصحیح، تهذیب، تکمیل و توجیه علوم اعتقاد دارد و علمی را که این مراحل را طی کرده باشد واجد خصوصیت اسلامی بودن می داند [مرحله ی تصحیح یا بینش های اسلامی و در صورت عدم امکان تصحیح تهذیب آنها علوم؛ مرحله تکمیل که در آن باید مسائلی را که به مقتضای کتاب و سنت لازم است افزوده شود به آن علوم افزود و مرحله ی سیر و سلوک این علم که باید با معارف اسلامی توجیه شده باشد].

لازم به ذکر است که با مراجعه به آنچه توسط نظریه پردازان مطرح گشته است می توان شاخه های دیگر در تقسیم بندی یاد شده افزود و حتی شقوق دیگری نیز طرح کرد که برخی از فرض های روابط احتمالاتی بین شاخه ها و دسته بندی ها مختلف، قائلانی نیز دارد که چون بنا را بر اختصار نهاده ایم از ذکر آنها صرف نظر می کنیم و هدف تنها توجه دادن به برخی سوالات کلیدی و برخی پاسخ های احتمالی به آنها بوده است نه جریان شناسی گروه های فکری جامعه و نظریه پردازان حوزه ی نسبت علم و دین که خود بحثی مجزا و نیازمند تحقیقی جداست. ضمناً دسته بندی ها و تقسیم بندی های واضح تر و شاملتری از همین قضیه قابل طرح است که چون متناسب با هدف ما نبود و از پاره ای جهات ما را از اهداف این نوشتار دور می کرد و بر پیچیدگی و دشواری مباحث می افزود از ذکر و بیان آنها صرف نظر نمودیم.

تحلیل محتوای بیابیه ی «منشور آزاد اندیشی» رهبر انقلاب

جنبش تولید نرم افزار علمی و دینی در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی
منبع: منشور نهضت آزاداندیشی و تولید علم، تهیه شده در دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و

تولید علم، چاپ اول، تابستان ۸۲، صص ۲۷-۲۸

رسالت: تمدن سازی و جامعه پردازی

ماموریت جنبش : تولید علم و اندیشه دینی

سیاست و راهبرد کلان : بیدار کردن عقل جمعی و توسعه نشاط اجتهادی

راهکارها و زمینه ها :

۱- تمهید فرصت برای نظریه پردازان و نقد و بررسی ایده ها توسط اهل فن در محضر وجدان علمی و دانشگاه

۲- ایجاد تضارب آرا و عقول و گسترش فضای انتقادی سالم

۳- ایجاد رقابت میان ایده ها و اندیشه ها و تشکیل مناظره های قانونمند و توأم با امکان داوری با حضور هیأت داوری علمی

۴- آزادی تفکر و گفتگو آزاد و برقراری امنیت لازم برای شجاعت در نظریه پردازی

۵- تقدیر از نظریه سازان و نوآوران و تبدیل تولید نظریه و فکر به عنوان یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه

۶- تدوین قواعد و روش های علمی و معقول برای گفتگو علمی و نظریه سازی چارچوب ها (۱) :

۱- وفاداری به اصول / ۲- التزام به منطق و روشمندی علمی

۳- رعایت اخلاق و ادب استفاده از آزادی / ۴- حقوق مادی و معنوی دیگران

حاملان جنبش : نسل دوم حوزه و دانشگاه

حمایتگران و هدایتگران :

۱- حمایت حکومت اسلامی، شورای عالی حوزه علمیه و شورای عالی انقلاب فرهنگی

۲- هدایت علما و صاحب نظران

مخاطرات

افراط	تفریط
خودباختگی و تقلید	جمود و تحجر
هرج و مرج	دیکتاتوری
گرداب هرزه گویی و کفر گویی	مرداب سکوت و سکون
فرهنگ آزادی بی مهار و خودخواهانه غربی	فرهنگ خفقان و سرجنبانیدن

آسیب ها و آفات

۱- یاس و شتابزدگی

۲- جدال و مرا به جای مناظره و گفتگوی علم و منطقی

۳- سیاست زندگی و سیاست زدایی

۴- حضور صاحب قدرت، ثروت و تریبون در عرصه فرهنگ و اندیشه

۵- پایین آمدن ضریب علمی و ناپختگی در نظریات جدید
۶- نازل شدن سطح گفتگوها و گرایش تبلیغاتی و عوامانه
۷- دچار شدن به فرسایش اداری در مراحل اجرایی
ملاحظات کلی :

از مجموع متن پیام، نکاتی را می توان برداشت کرد که برای کمیته پیگیری قابل تامل است:

۱- در این اعلامیه رهبر انقلاب «آغاز یک دوران جدید» در انقلاب اسلامی را خواستار شده اند و آن را «دوران خلاقیت و تولید» در برنامه تاریخی و جهانی انقلاب، نام نهاده اند. از این رو، به جای جزئی نگری باید با یک نگرش کلان و بلند مدت به تعقیب اهداف این جنبش پرداخت.

۲- ایشان آسیب اصلی را در ناسالم بودن بسترهای فرهنگی و فقدان زمینه ها، روشها و قواعد گفتگو و تولید اندیشه و علم دانسته اند و تاکید اصلی بر تبدیل «فرهنگ اجتماعی و حکومتی» به سمت هدفهای یاد شده و ایجاد «عادت ثانوی در بین نخبگان و اندیشه وران» است. از این رو ، به جای توجه صرف به محصولات یا فعالیتها، باید بیشتر به فرهنگ سازی و اصلاح عادات و رویه های غلط و نهادینه کردن مناسبات نظریه پردازی در فضای حوزه و دانشگاه اندیشید.

۳- از نظر مقام رهبری، همت اصلی باید مصروف روشمند و ضابطه مند کردن این جنبش و مدیریت درست آن به سمت اهداف یاد شده شود. از این رو، مدیریت پویا و هوشمندانه و نیز قاعده سازی و روشمند کردن این جریان از اهمیت والایی برخوردار است.

برخی منابع قابل استفاده :

در این بخش صرفا برخی کتابهای مرتبط با این موضوع معرفی شده است و به مقالات نشریات اشاره نشده است :

- ۱- منشور آزاد اندیشی و تولید علم تهیه شده در دبیرخانه نهضت آزاد اندیشی و تولید علم
- ۲- در آمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی ؛ مجموعه گفت و گو و مجموعه سخنرانی ها (پنج جلد) تهیه و تنظیم دبیرخانه نهضت آزاد اندیشی. قم : حوزه علمیه قم ، مرکز مدیریت ، ۱۳۸۳.
- ۳- حوزه و دانشگاه (کتاب اول و دوم) وحدت حوزه و دانشگاه و اسلامی کردن و بومی کردن علوم انسانی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه ، آذر ۱۳۷۸.
- ۴- حوزه و دانشگاه (کتاب سوم)، پژوهشکده ی حوزه و دانشگاه ، ۱۳۷۹.
- ۵- اندیشه های بنیادین اسلام، کمیته ی اسلامی کردن دانشگاه ها ، تهران : ستاد انقلاب فرهنگی ، مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۶۱.
- ۶- دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی، محمد فنایی اشکوری، انتشارات موسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) چاپ اول ، تابستان ۱۳۷۷.
- ۷- علم و مذهب، برتراند راسل ، ترجمه رضا مشایخی، انتشارات کتابفروشی دهخدا، شهریور ۲۵۳۵
- ۸- رابطه ی علم و دین ، محمد جواد باهنر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۶۱
- ۹- علم و دین ، ایان باربر ، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی ، مرکز نشر دانشگاهی ، چاپ دوم ، ۱۳۷۴
- ۱۰- از آگوستن تا گالیله، ۲ جلدی ، آ. سی . کرومی ترجمه ی احمد آرام ، انتشارات سمت ، ۱۳۷۱

- ۱۱- تاریخ علم، دامپی یو، ترجمه ی عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱
- ۱۲- تاریخ و فلسفه علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات سروش
- ۱۳- تکوین علم جدید، ریچارد و ستفال، ترجمه ی عبدالحسین آذرنگ، رضا رضایی، طرح نو، چاپ اول ۱۳۷۹
- ۱۴- مبانی علم نوین، هربرت باتر فیلد، ترجمه ی یحیی نقاش صبحی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی چاپ اول ۱۳۷۹
- ۱۵- مبادی مابعد الطبیعی علوم نوین، ادوین آرثر برت ترجمه ی عبدالکریم سروش، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم ۱۳۸۰
- ۱۶- شریعت در آینه ی معرفت، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷
- ۱۷- روش متفکرین اسلامی در علوم، میر جواد نعمتی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۲
- ۱۸- علم و تمدن در اسلام، سید حسین نصر، ترجمه ی احمد آرام، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹
- ۱۹- نظر متفکران اسلامی درباره ی طبیعت، سید حسین نصر، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، بهمن ۱۳۵۹
- ۲۰- تحقیق در حقیقت علم (علم هوشیاری)، عبدالحسین مشکوه الدینی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴
- ۲۱- علم چیست فلسفه چیست؟ عبدالکریم سروش، تهران، موسسه فرهنگی صراط، بهار ۱۳۷۱
- ۲۲- شناخت شناسی در قرآن، عبدالله جوادی آملی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۲
- ۲۳- مقدمه ای بر علوم انسانی اسلامی، محی الدین حائری شیرازی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۳
- ۲۴- علم حضوری، محمد فنایی اشکوری، انتشارات موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول ۱۳۷۵
- ۲۵- علم و عالم و معلوم، عزیز الله فیاض صابری، مشهد: عروج اندیشه، ۱۳۸۰
- ۲۶- سنت، ایدئولوژی علم، حمید پارسانیا، تهران: مرکز آموزش و پژوهش چاپ اول ۱۳۸۰
- ۲۷- علم و فلسفه، حمید پارسانیا، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و اسلامی.
- ۲۸- گوهر قدسی معرفت، سید محمد بنی هاشمی، تهران: نشر منیر، چاپ اول ۱۳۷۸
- ۲۹- جهان بینی علمی، برتراند راسل، ترجمه ی حسن منصور، نشر آگاه
- ۳۰- زبان، حقیقت و منطق، آلفرد ابر، ترجمه ی منوچهر بزرگمهر، تهران: انتشارات خوارزمی
- ۳۱- پوزیتیویسم منطقی، بهاء الدین خرمشاهی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۸
- ۳۲- سرچشمه های دانایی و نادانی، ک. ر. پوپر، ترجمه ی عباس باقری، نشرنی
- ۳۳- حدسها و ابطال ها، ک. ر. پوپر: ترجمه ی احمد آرام، شرکت شهابی انتشار، چاپ سوم ۱۳۷۵
- ۳۴- واقعی گری و هدف علم؛ ک. ر. پوپر؛ ترجمه احمد آرام، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۷۲
- ۳۵- جهان باز برهانی در تایید نامعینگری؛ جزء دوم از پینوشت بر منطق اکتشاف علمی، ک. ر. پوپر ترجمه احمد آرام انتشارات سروش چاپ اول ۱۳۷۵
- ۳۶- منطق اکتشاف علمی؛ ک. ر. پوپر؛ ترجمه ی سید حسین کمالی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۱
- ۳۷- اسطوره ی چارچوب؛ ک. ر. پوپر، ترجمه ی علی پایا، طرح نو، تهران، ۱۳۷۹
- ۳۸- ساختار انقلابهای علمی، تامس کوهن، ترجمه ی احمد آرام، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۹
- ۳۹- علم شناسی فلسفی (گفتارهایی در فلسفه ی علوم تجربی)؛ انتخاب و ترجمه ی عبدالکریم سروش، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) تهران ۱۳۷۲
- ۴۰- تفرج صنع، عبدالکریم سروش، تهران؛ موسسه فرهنگی، صراط، ۱۳۷۳
- ۴۱- درسهایی در فلسفه علم الاجتماع، عبدالکریم سروش، تهران، نشرنی، چاپ سوم ۱۳۷۹
- ۴۲- تبیین در علوم اجتماعی، دانیل لیتل، ترجمه عبدالکریم سروش
- ۴۳- پیدایش فلسفه ی علمی، هانس رایشنباخ، موسی اکرمی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۱
- ۴۴- درآمدی تاریخی به فلسفه ی علم، جان لازری، ترجمه ی علی پایا، سمت، ۱۳۷۷

- ۴۵- فلسفه ی علم در قرن بیستم، دانالدگیلیس، ترجمه ی حسن میاننداری، انتشارات سمت و طه، چاپ اول بهار ۱۳۸۱
- ۴۶- چپستی علم (درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی)، آن اف، چالمرز، ترجمه ی سعید زیبا کلام، انتشارات سمت و علمی فرهنگی، چاپ اول بهار ۱۳۷۸
- ۴۶- علم چپست، آن اف، چالمر ترجمه ی محمد مشایخی، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم ۱۳۷۷
- ۴۷- تحقیقی در فلسفه ی علم، محمد تقی جعفری، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ اول ۱۳۷۹
- ۴۸- مقدمه ای بر فلسفه ی علم، رودلف کارناپ، ترجمه ی یوسف عقیقی، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ سوم، ۱۳۷۸
- ۴۹- فلسفه ی علم، نیکلاس کاپالدی، ترجمه ی علی حقی، انتشارات سروش، چاپ اول ۱۳۷۷
- ۵۰- علم، شبه علم و علم دروغین (بررسی راه های شناخت)، هانری ژری، اس. ترجمه عباس باقری، نشرنی
- ۵۱- دانش و شبه دانش، پرویز شهریاری، نشرنی
- ۵۲- رابطه ی منطقی دین و علوم کاربردی، علیرضا پیروزمند، انتشارات امیر کبیر چاپ اول ۱۳۷۶
- ۵۳- دیدگاه ها و برهانها، شاپور اعتماد، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵
- ۵۴- شناخت عمومی علم، یاکوب برونوفسکی، ترجمه ی محمد علی پور عبدالله، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۰
- ۵۵- عقل سلیم علم، یاکوب برونوفسکی، ترجمه ی کامبیز عزیزی، نشرنی، چاپ اول ۱۳۷۶
- ۵۶- سرچشمه های دانش و تخیل، یاکوب برونوفسکی، ترجمه ی کامبیز عزیزی شمیران، دنا، ۱۳۶۷
- ۵۷- ارزشهای انسانی در قلب علم، یاکوب برونوفسکی، ترجمه ی خسرو ریگی، تهران: انتشارات جیحون، ۱۳۷۹
- ۵۸- وضعیت پست مدرن (گزارشی در باره دانش)، ژان فرانسوا لیوتار، ترجمه ی حسینعلی نودزی، تهران: گام نو، ۱۳۸۰
- ۵۹- معرفت شناسی اسلامی (طرح، برنامه، عملکرد)، موسسه جهانی اندیشه ی اسلامی، ترجمه ی موسسه فرهنگی تحقیقاتی ایران و اسلام، تهران انتشارات ایران و اسلام، ۱۳۷۴
- ۶۰- درآمدی بر معرفت شناسی دینی و معاصر، محمد تقی فعالی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور دانشگاه ها، ۱۳۷۷
- ۶۱- معرفت شناسی اجتماعی (طرح و نقد مکتب ادینبورا) سعید زیبا کلام، انتشارات سمت، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴
- ۶۲- جامعه شناسی معرفت و علم دیوید گلوور، شیلافا استرا بریج و محمد توکل، ترجمه ی شاپور بهیمان و دیگران، انتشارات سمت، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳
- ۶۳- جامعه شناسی علم، محمد توکل، انتشارات صدوق، ۱۳۷۰
- ۶۴- ایده ی علم اجتماعی و پیوند آن با فلسفه، پیتر وینچ ترجمه زیر نظر سمت، تهران ۱۳۷۲
- ۶۵- گذری بر جامعه شناسی شناخت، مرتضی رضوی، تهران، کیهان، ۱۳۷۱
- ۶۶- علم و جامعه شناسی معرفت، مایکل مولکی، ترجمه ی حسین کچوئیان، نشرنی
- ۶۷- سر بر آستان قدسی دل درگرو عرفی، مجید محمدی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷
- ۶۸- دین علیه ایمان، مجید محمدی، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول ۱۳۷۸
- ۶۹- دین شناسی معاصر، مجید محمدی، تهران: نشر قطره، چاپ اول ۱۳۷۴
- ۷۰- درآمدی بر جامعه شناسی و اقتصاد فرهنگ در ایران امروز، مجید محمدی، تهران: نشر قطره، چاپ اول ۱۳۷۷
- ۷۱- جامعه شناسی شناخت، منوچهر آشتیانی، تهران، نشر قطره.
- ۷۲- جامعه شناسی معرفت، عبدالرضا علیزاده و دیگران، زیر نظر محمد توکل، موسسه پژوهش حوزه و دانشگاه، چاپ اول ۱۳۸۳
- ۷۳- سیری انتقادی در فلسفه ی کارل پوپر، رضا داوری اردکانی، نشرساقی، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۹

- ۷۴- فرهنگ ، خرد و آزادی ، رضا داوری اردکانی ، نشرساقی ، چاپ اول ، ۱۳۷۸
- ۷۴- درباره علم ، رضا داوری اردکانی، انتشارات هرمس
- ۷۵- رساله درباب سنت و تجدد ، رضا داوری اردکانی ، نشرساقی ، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۷۶- ما و راه دشوار تجدد ، رضا داوری اردکانی ، نشرساقی ، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۷۷- تمدن و تفکر غربی ، رضا داوری اردکانی ، نشرساقی ، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ۷۷- درباره غرب ، رضا داوری اردکانی، انتشارات هرمس
- ۷۸- اوتوپي وعصر تجدد ، رضا داوری اردکانی ، نشرساقی ، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۷۹- تحلیلی از دیدگاه های فلسفی فیزیکی‌دانان معاصر ، مهدی گلشنی ، مرکز نشر فرهنگی مشرق چاپ دوم ، ۱۳۷۴
- ۸۰- از علم سکولار تا علم دینی ، مهدی گلشنی تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷
- ۸۱- فیزیکی‌دانان غربی و مساله ی خداباوری، مهدی گلشنی، تهران : کانون نشر اندیشه های جوان ، ۱۳۷۷
- ۸۲- تاثوی فیزیکی، فریت یوف کاپرا ، ترجمه ی حبیب الله داد فرما ، سازمان انتشارات کیهان ، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- ۸۳- فیزیک اتمی و شناخت بشری ، نیلس بور ، ترجمه ی حسین نجفی زاده ، انتشارات سروش ۱۳۷۳
- ۸۴- توسعه و مبانی تمدن غرب، سید مرتضی آوینی، نشر ساقی ، چاپ چهارم ۱۳۸۳
- ۸۵- بحران دنیای متجدد ، رنه گنون ، ترجمه ی ضیاء الدین دهشیری ، تهران : امیر کبیر ، ۱۳۷۸
- ۸۶- سیطره ی کمیت و علائم آخر الزمان ، رنه گنون، ترجمه ی علی محمد کاردان تهران : ستاد انقلاب فرهنگی ، مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۶۱
- ۸۷- جوان مسلمان و دنیای متجدد، سید حسین نصر، ترجمه ی مرتضی اسعدی ، تهران ، طرح نو، ۱۳۷۳
- ۸۸- نیاز به علم مقدس، سید حسین نصر، ترجمه ی حسن میانداری، قم : طه ، ۱۳۷۹
- ۸۸- معرفت و معنویت، سید حسین نصر، نشر سپهروردی
- ۸۹- هویت علم دینی (نگاهی معرفت شناختی به نسبت دین با علوم انسانی) ، خسرو باقری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۲
- ۹۰- اسلام و تجدد، مهدی نصیری، تهران : کتاب صبح، ۱۳۸۰
- ۹۱- عقل و اعتقاد دینی ، مایکل پترسون و دیگران ، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی ، تهران ، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۸
- ۹۲- انتظار بشر از دین ، عبدالله نصری ، تهران : موسسه فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر، چاپ اول ، بهار ۱۳۷۸
- ۹۳- مدخل مسائل جدید در علم کلام ، جعفر سبحانی ، قم ، موسسه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول ۱۳۷۵
- ۹۴- انتظار بشر از دین ، عبدالله جوادی آملی ، قم : مرکز نشر اسراء، چاپ اول اسفند ۱۳۸۰
- ۹۵- کلام جدید ، عبدالحسین خسرو پناه ، قم ، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه ، چاپ دوم پاییز ۱۳۸۱
- ۹۶- انتظارات بشر از دین، عبدالحسین خسرو پناه .
- ۹۷- درآمدی بر کلام جدید ، هادی صادقی انتشارات طه .
- ۹۸- موضع علم و دین در خلقت انسان ، احد فرامرزی قرا ملکی ، موسسه فرهنگی آرایه ۱۳۷۳
- ۹۹- تفکر دینی در قرن بیستم ، جان مک کوبری ، ترجمه عباس شیخ شعاعی و محمد محمد رضایی ، قم : مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ اول ، زمستان ۱۳۷۵
- ۱۰۰- تاریخ معرفت شناسی ، دیوید.و. هاملین ، ترجمه شاپور اعتماد تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعاتی فرهنگی چاپ اول، زمستان ۱۳۷۴
- ۱۰۱- در آمدی بر قلمرو دین ، حسنعلی علی اکبریان ، تهران ، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۷ .
- ۱۰۲- دین و چشم اندازه های نو، پی. آلتون و دیگران ترجمه ی غلامحسین توکلی، قم : دفتر تبلیغات اسلامی چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶

- ۱۰۳- قبض و بسط تتوریک شریعت، عبدالکریم سروش، تهران: موسسه فرهنگی صراط، چاپ ششم بهار ۱۳۷۷
- ۱۰۴- معرفت دینی، صادق لاریجانی، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۰.
- ۱۰۵- معرفت شناسی، محمد حسین زاده، قم: انتشارات موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، چاپ سوم، بهار ۱۳۷۸.
- ۱۰۶- دین شناسی، محمد حسین زاده، قم: انتشارات موسسه آموزش و پژوهشهای امام خمینی (ره) چاپ اول، بهار ۱۳۷۸.
- ۱۰۷- تحول فهم دین، احمد واعظی، تهران: موسسه فرهنگی اندیشه ی معاصر، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۷۶.
- ۱۰۸- فلسفه دین، احمد بهشتی، تهران قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲
- ۱۰۹- زبان دین، امیر عباس علی زمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی ۱۳۷۵.
- ۱۱۰- راهی به رهایی، مصطفی ملکیان

تقسیم بندی موضوعی کتابهای یاد شده :

- آشنایی با مفهوم و موضوع جنبش نرم افزاری (۱-۴)
- آشنایی با تعریف علم در تمدن مسلمین (۸، ۱۷-۲۸، ۵۲، ۵۹، ۸۰، ۸۹، ۱۱۰)
- آشنایی با تاریخ علم (۹-۱۳، ۱۸-۱۹)
- نسبت علم و دین (۶-۹، ۱۶، ۲۲-۲۳، ۵۲، ۷۴، ۸۰، ۸۲، ۸۸-۸۹، ۹۰-۹۹، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۰۹-۱۱۰)
- چستی علم جدید (۲-۴، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵، ۲۱، ۲۹، ۳۹، ۴۶، ۵۰، ۵۲، ۵۷، ۵۸، ۷۴، ۸۰، ۸۸-۸۹، ۹۱، ۱۱۰)
- آشنایی با فلسفه علم (۴، ۶، ۱۲، ۱۵، ۳۰-۵۸، ۸۹، ۹۱)
- آشنایی با پوزیتیویسم (۶، ۹، ۱۲، ۱۵، ۲۱، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۳۹، ۴۳-۴۴، ۴۸، ۵۳-۵۷، ۸۰)
- آشنایی با ابطال گروهی «آراء پوپر و ...» (۱۵، ۳۲-۳۷، ۳۹، ۴۴-۴۶، ۵۲-۵۳، ۷۳)
- آشنایی با مکاتب فلسفه علم جدید «آراء لاکاتوش، کوهن، فایرابند و ...» (۱۵، ۳۸، ۴۴-۴۶، ۵۳، ۵۸، ۶۱)
- آشنایی با جامعه شناسی معرفت (۲۶، ۴۱-۴۲، ۶۱-۷۲)
- آشنایی با جریانهای فکری و اندیشه های صاحب نظران حوزه علم و دین (۲، ۶، ۵۲، ۶۷، ۶۹-۹۰، ۹۵، ۱۰۳-۱۰۷، ۱۱۰)

پایگاه اینترنتی

جنبش عدالتخواه دانشجویی

www.motalebe.ir